

Formulation of the production model of teaching resources with the approach of science production culture (case example: non-profit universities of the country)

Younes Babaei Fishani^۱

^۱. Ph.D. in cultural affairs planning management, Adalat University, Tehran, Iran (Coressponding author)

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Objective: The purpose of the research is to develop a model for the production of teaching resources with the approach of the culture of science production.
Article history: Received: ۱۸ March ۲۰۲۱ Revised: ۱۰ June ۲۰۲۱ Accepted: ۱۶ June ۲۰۲۱	Methodology: The quantitative research method uses exploratory factor analysis to achieve the desired model. The study scope of this research is the non-profit universities of the country. The statistical population is the professors of non-profit universities in the country and ۳۹ people were selected using random sampling. The method of data collection is through a researcher-made questionnaire. The validity of the questionnaire was confirmed by factor analysis and its reliability was confirmed by Cronbach's alpha method.
Keywords: teaching resources, science production culture, non-profit universities of the country, model	Conclusion: The results of the research showed that the final extracted model consists of the effective components of managerial factors, increasing scientific resources available to professors, using new technologies, localization of knowledge, continuous evaluation of books, development of facilities, individual and organizational empowerment, and spreading culture. Teamwork and adopting a qualitative rather than a quantitative approach.
	Originality: This article is taken from the thesis of Mr. Om. Babaei Fishani, younes.
Cite this article: Last Name, Initial., Last Name, Initial., & Last Name, Initial. (۲۰۲۱). Title of paper. <i>Academic Librarianship and Information Research</i> , ۵۴ (۴), ۱-۲۰. DOI:	
© The Author(s).	
DOI:	
, Vol. , No. , ۲۰۲۰, pp. .	

تدوین مدل تولید منابع درسی با رویکرد فرهنگ تولید علم

(نمونه موردی: دانشگاه‌های غیر انتفاعی کشور)

یونس بابایی فیشانی^۱

چکیده

هدف: هدف تحقیق تدوین مدل تولید منابع درسی با رویکرد فرهنگ تولید علم است.

ضرورت: گسترش آموزش عالی در ایران برپایه بخش خصوصی بصورت روزافزون در حال گسترش است، اما بعلاوه مسائلی این بخش از آموزش عالی کشور در بخش تولیدات منابع درسی مبتنی بر فرهنگ تولید، نمی‌تواند همسو با سایر دانشگاه‌های دولتی حرکت نماید.

روش‌شناسی: روش پژوهش کمی، با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی است تا به مدل موردنظر دست پیدا کند. محدوده مطالعاتی این پژوهش دانشگاه‌های غیرانتفاعی کشور است. جامعه آماری اساتید دانشگاه‌های غیرانتفاعی در سطح کشور است و با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی به تعداد ۳۹ نفر انتخاب شد. شیوه گردآوری داده از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته است. روایی پرسشنامه به روش تحلیل عاملی و پایایی آن به شیوه آلفای کرونباخ تایید گردید.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که مدل مستخرج نهایی متشکل از مولفه‌های موثر عوامل مدیریتی، افزایش منابع علمی در دسترس اساتید، استفاده از تکنولوژی‌های نوین، بومی‌سازی دانش، ارزیابی مستمر کتب، توسعه امکانات، توانمندسازی فردی و سازمانی، اشاعه فرهنگ کار تیمی و اتخاذ رویکرد کیفی به جای رویکرد کمی است.

نتیجه‌گیری: ارتقای تولید منابع درسی مبتنی بر مدلی با رویکرد فرهنگ تولید علم در دانشگاه‌های غیرانتفاعی کشور در وهله اول باید برپایه توانمندسازی افرادی که در تولید محتوای درسی نقش دارند باشد و در همین راستا، دانشگاه‌ها نیز باید توانمند به لحاظ دسترسی به منابع علمی، امکانات و تکنولوژی‌های نوین باشد. همچنین ارزیابی مستمر کتب، بومی‌سازی آن و ارتقای کیفی کتب نیز از اهمیت اساسی برخوردار است. در کنار این عوامل، مدیریت فرآیند تولید محتوای درسی مبتنی بر فرهنگ تولید نیز اهمیت دارد.

کلیدواژه‌ها: منابع درسی، فرهنگ تولید علم، دانشگاه‌های غیرانتفاعی کشور، الگو.

^۱ دکتری مدیریت برنامه ریزی امور فرهنگی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران، y.babaei.fishani@gmail.com

مقدمه

تولید و بهره‌گیری از کتاب‌های درسی در کشورهای مختلف جهان به دو صورت متمرکز و غیرمتمرکز انجام می‌شود. در ایران، استفاده از کتاب‌های درسی به صورت متمرکز صورت می‌گیرد؛ یعنی کتاب‌های درسی از یک کانال تغذیه می‌شوند و یک متن واحد در سراسر کشور تدریس می‌شود. اما در کشورهایی نظیر انگلستان، استرالیا، زلاند نو، آمریکا و سوئد بکارگیری کتاب‌های درسی غیرمتمرکز است؛ به این روش که معمولاً یک برنامه ملی درسی اعلام می‌شود که هدف‌های آن روشن است و مدرسه‌ها می‌کوشند به هدف‌های برنامه ملی نزدیک شوند و هیچ الزامی وجود ندارد که از یک کتاب درسی واحد برای رسیدن به این اهداف کمک بگیرند. در اغلب اوقات، ممکن است معلم از بین منابع زیادی که وجود دارد، منابع خاصی را گزینش کند و در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد. به عبارت دیگر، معلم حق دارد متنی که می‌خواهد تدریس کند را خود برگزیند (آهنگری، ۱۳۸۳: ۲۱). امروزه با توجه به کاهش تعداد دانشجویان کشور و افزایش صندلی‌های خالی در دانشگاه‌ها، رویکرد دانشگاه‌ها و بالاخص دانشگاه‌های پولی مانند غیرانتفاعی نیز باید از رشد کمی به سمت رشد کیفی حرکت کند. نظام آموزشی فعلی کشور نیز، یک نظام متمرکز و برنامه درسی در آن منحصر به کتب درسی است که در کل کشور استفاده می‌شود (مشایخ، ۱۳۷۵: ۱۵). این در حالی است که با توجه به وسعت کشور، تنوع و تعدد اقوام و مشکلات ناشی از آن (مانند دو زبانه بودن شاگردان)، رشد سریع علوم و فناوری، تغییر سریع در هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و ... ضرورت دارد که کتاب‌های درسی با دقت کافی و در حد امکان عاری از هر عیب و نقص و مطابق با اهداف تعیین شده و اصول علمی تالیف شوند (پارمحمدیان، ۱۳۸۶: ۱۱). همچنین، به دلیل ساختار آموزشی و برنامه درسی حاکم بر آموزش و پرورش کشور، کتاب‌های درسی به عنوان رسانه‌ای پرکاربرد در ساختار آموزشی کشور مطرح می‌باشند. کتاب‌های درسی، رسانه‌ای هستند که همه روزه مدرسان و علم‌آموزان از آن استفاده می‌کنند، لذا گاهی اوقات به عنوان تمام برنامه درسی، مدرس بر آن تاکید می‌کند (آلتبیچ، ۱۹۹۱: به نقل از نوریان، ۱۳۸۷: ۹). همچنین، انتشار کتاب‌های درسی چه با محور آموزش دانشگاهی و چه از منظر اطلاع‌رسانی و انتقال دانش به عموم جامعه، از ضروریات زندگی هر اجتماعی است (صادقی، ۱۳۹۰: ۱۹). لذا با توجه به اهمیت و نقش کتاب درسی در نظام آموزشی، ضروری است که این رسانه مهم آموزشی مورد توجه متخصصان و محققان قرار گیرد. همچنین، از آنجایی که در بهره‌گیری از متون درسی و تحقق اهداف آموزشی، عوامل گوناگونی همچون ویژگی‌ها و خصوصیات فراگیران، الزامات اجتماعی، شرایط و امکانات آموزشی و کمک آموزشی و ... تاثیر دارند و نیز نقش و جایگاه ویژه کتاب‌های درسی در فرآیند آموزش (حسن مرادی، ۱۳۸۸)؛ لذا ضروری می‌رسد که در تدوین کتب درسی هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی ملاحظات ویژه‌ای صورت پذیرد. این موضوع به ویژه در سطح دانشگاه از اهمیت دو چندانی برخوردار می‌شود چرا که امر آموزش در دانشگاه‌ها بایستی در سطوح علمی بالایی صورت پذیرد. با این تفاسیر، ضروری به نظر می‌رسد که تحقیقی در این رابطه صورت پذیرفته و عوامل موثر و مرتبط با فرهنگ تدوین کتب درسی در دانشگاه‌ها شناسایی گردد. کتاب درسی اثر چاپ شده‌ای است که برای یک دوره و یا سال تحصیلی مهیا گردیده و دربردارنده حقایق و ایده‌ها درباره یک موضوع خاص است (گاتری^۱، ۲۰۰۸: ۲۵). کتاب درسی ابزار اصلی یادگیری تلقی شده که برای دستیابی به مجموعه خاصی از نتایج آموزشی طراحی و از متن، تصویر و یا متن همراه با تصویر تشکیل شده است و به‌طور سنتی مجموعه چاپی و مجلدی است که آسان‌سازی توالی فعالیت‌های یادگیری را هدایت و راهنمایی می‌کند (یونسکو، ۲۰۰۵: ۱). کتاب درسی، مرجع رسمی مورد استناد برای تعیین محتوا و برنامه آموزشی بوده و راهنمای عمل برای تمامی مدرسين است (اوون و دیودلی^۲، ۲۰۰۷: ۸). در این تحقیق، منظور از کتاب درسی، کتاب‌هایی است که توسط اساتید دانشگاهی تالیف یا ترجمه شده و به عنوان کتاب‌های درسی در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند.

^۱ Guthrie, James W.

^۲ Owen, J. L. & Dudley, J. E.

فرهنگ شامل مجموعه‌ای از آداب و رسوم، اندیشه‌ها و ارزش‌های وابسته به آن‌هاست که از جهاتی می‌تواند نتیجه اعمال و رفتار انسان و از جهتی به عنوان عاملی برای شکل دادن به اعمال انسان تلقی گردد (کلاید کلوک هن، به نقل از محمدی، ۱۳۷۰: ۲۸). در این تحقیق منظرو عواملی است که زمینه تولید علم و تدوین کتب درسی دانشگاهی را فراهم می‌آورد. کتاب‌های درسی به لحاظ نقش و جایگاه خود برای حفظ اعتبار و حیثیت علمی و فرهنگی در نظام آموزشی کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. کتاب‌های درسی کتاب‌هایی هستند که براساس برنامه درسی خاصی و با اهداف معین مطابق پایه، رشته و شرایط ذهنی و سنی یادگیرندگان تالیف و چاپ شده و در چارچوب زمانی معین، در کلاس‌های درس رسمی تدریس می‌شوند. سپس از آن‌ها ارزشیابی به عمل آمده و یادگرفتن محتوای آن‌ها منجر به اخذ مدرک تحصیلی می‌شود (رسولی و آتسانی، ۱۳۹۰: ۷). ساختار کتاب‌های درسی باید به گونه‌ای پایه‌ریزی شود که زمینه‌ساز تحقق فرآیند یادگیری مطلوب باشد (معاونت پژوهش، ۱۳۸۲: ۹). تحقیقات مختلف نشان داده است که کتاب درسی تاثیر مستقیمی بر جریان تدریس و یادگیری دارد. به عنوان نمونه، هریسون^۱ (۲۰۰۱) در تحقیقی به این نتیجه رسید که همانگونه که یک کتاب مناسب می‌تواند موجب تسهیل جریان یادگیری شود، یک کتاب نامناسب که دارای ابهام باشد نیز به همان اندازه می‌تواند فرآیند یادگیری را مختل و مانع فعالیت‌های آزادانه و بتکاری معلم در هنگام تدریس شود. کتاب‌های درسی اسناد رسمی و معتبری هستند که ترجمه ارزش‌های دینی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و علمی حاکم بر یک جامعه به شمار می‌روند (حسن مرادی، ۱۳۸۸: ۱۶). کتاب درسی، مرجع رسمی مورد استناد برای تعیین محتوا و برنامه آموزشی بوده و راهنمای عمل برای تمامی مدرسین است (اوون و دیودلی، ۲۰۰۷: ۱۷). در تعاریف جدیدتر، کتاب درسی تنها شامل اطلاعات نیست بلکه دربردارنده اطلاعات و فعالیت‌هایی است که برای دستیابی دانشجو به نتایج یادگیری ضروری است (کاتورسکوی^۲، ۲۰۰۶: ۹). همچنین محتوای کتب درسی پل ارتباط دهنده اهداف مختلف آموزشی با نیازهای واقعی بوده و وظیفه فراهم‌سازی فرصت‌های یادگیری و رشد فراگیران در هر یک از حوزه‌های شناختی، عاطفی و مهارتی را بر عهده دارند (فوستر^۳، ۲۰۰۲: ۱۹). لذا، مطالعه و تعیین میزان توفیق کتاب درسی در انجام این رسالت می‌تواند بخش قابل توجهی از پژوهش‌های تحلیلی در متون درسی را در برگیرد. کتاب‌های درسی از ماهیت و موجودیتی پویا برخوردارند و مدام در حال تغییر و تحول هستند. در واقع، پویایی و بهسازی مستمر، شرط بقا و عامل موثری در اثربخشی محتوای آموزشی کتاب‌ها است. به همین منظور، نظام‌های آموزشی پیشرفته ساختارها و مسیرهای توانمندسازی خود را طراحی و مورد استفاده قرار می‌دهند (حسن مرادی، ۱۳۸۸: ۱۴). با تمام این تفاسیر، پر واضح است که در کشور ما عوامل متعددی بر تولید کتب درسی مطابق با فرهنگ تولید علم به ویژه در دانشگاه‌های غیر انتفاعی کشور تاثیر گذار هستند و با توجه به عدم انجام پژوهشی برای تدوین الگوی مناسب تولید محتوا مبتنی بر فرهنگ تولید علم، این سوال پیش می‌آید که عوامل موثر بر تولید کتاب درسی مطابق با فرهنگ تولید علم در دانشگاه‌های غیر انتفاعی کشور کدامند؟ و در نهایت، این عوامل از چه الگویی برخوردارند؟

۱. مرور ادبیات

اساسا هدف از تشکیل نظام آموزشی در سراسر دنیا، از آموزش ابتدایی تا آموزش عالی، پاسخ به خواست‌ها و در نظر گرفتن اهداف متعالی و نهایی جامعه است (زکایی^۴، ۲۰۰۵). با وجود تنوع و گوناگونی منابع و فناوری‌های آموزشی، کتاب‌های درسی هنوز یکی از عناصر مهمی هستند که در فرآیند یادگیری، مدرس و فراگیر از آن بهره مند می‌شوند (ککلیک^۵، ۲۰۱۱). کتاب درسی، مرجع رسمی مورد استناد برای تعیین محتوا و برنامه آموزشی بوده و راهنمای عمل برای تمامی مدرسین است (اوون و دیودلی^۶، ۲۰۰۷). محتوای کتب درسی پل ارتباط دهنده اهداف مختلف آموزشی با

^۱ Harrison, A. G.

^۲ Khutorskoi, A.V.

^۳ Foster, C. R.

^۴ Zokaiei, M, S.

^۵ Keklik, I.

^۶ Owen and Dudley

نیازهای واقعی بوده و وظیفه فراهم سازی فرصت های یادگیری و رشد فراگیران در هر یک از حوزه های شناختی، عاطفی و مهارتی را بر عهده دارند (فoster^۱، ۲۰۰۲). لذا، مطالعه و تعیین میزان توفیق کتاب درسی در انجام این رسالت می تواند بخش قابل توجهی از پژوهش های تحلیلی در متون درسی را در بر گیرد. تولید و بهره گیری از کتاب های درسی در کشورهای مختلف جهان به دو صورت متمرکز و غیرمتمرکز انجام می شود. در ایران، استفاده از کتاب های درسی به صورت متمرکز صورت می گیرد؛ یعنی کتاب های درسی از یک کانال تغذیه می شوند و یک متن واحد در سراسر کشور تدریس می شود. اما در کشورهایی نظیر انگلستان، استرالیا، زلاندنو، آمریکا و سوئد بکارگیری کتاب های درسی غیرمتمرکز است؛ به این روش که معمولاً یک برنامه ملی درسی اعلام می شود که هدف های آن روشن است و مدرسه ها می کوشند به هدف های برنامه ملی نزدیک شوند و هیچ الزامی وجود ندارد که از یک کتاب درسی واحد برای رسیدن به این اهداف کمک بگیرند. در اغلب اوقات، ممکن است معلم از بین منابع زیادی که وجود دارد، منابع خاصی را گزینش کند و در اختیار دانش آموزان قرار دهد. به عبارت دیگر، معلم حق دارد متنی که می خواهد تدریس کند را خود برگزیند (نصراللهی نیا، ۱۴۰۰). در ادامه در بخش پیشنه ی پژوهش به تحقیقات و تجربیات مرتبط با موضوع پرداخته شده است.

۲. پیشینه ی پژوهش

در این بخش پژوهش هایی معرفی می شود که به تولید منابع درسی با رویکرد فرهنگ تولید علم پرداخته اند. هوآ^۲ همکاران (۲۰۲۳)، در پژوهشی که بررسی بازنمایی فرهنگ و زبان چینی در کتاب های درسی زبان های خارجی کشور ایالات متحده پرداخته اند، یافته هایشان نشان دهنده آن است که کتاب های درسی به طرز ماهرانه ای از رویکردهای التقاطی برای پرداختن به موضوعات بحث برانگیز فرهنگی در میان گروه های مختلف چینی زبان، مانند چینی های هان، تایوانی و اقلیت های قومی در چین، در راستای یک ایدئولوژی فرهنگی فراگیر پان چینی استفاده می کنند و این عامل منجر به توسعه فرهنگ چینی و حفظ آن در بین مردم آمریکا و بخصوص چینی زبان ها شده است. ژیونگ و همکاران^۳ (۲۰۲۲)، در پژوهشی که در مورد دانش و ارزش های فرهنگی در کتاب های درسی آموزش زبان انگلیسی است، با ارائه الگویی چندوجهی به اهمیت بازنمایی فرهنگ و در تولید منابع درسی پرداخته اند.

محمود^۴ (۲۰۱۹)، در پژوهشی که به بازنمایی فرهنگ در تولید منابع درسی به زبان انگلیسی در دبیرستان های کشور اندونزی پرداخته اند، با ارائه الگویی بدین نحو استدلال کرده اند که، دو دلیل غالب برای بازنمایی فرهنگ محلی در کتاب های درسی دبیرستان در اندونزی وجود دارد که شامل ارتقای حس آشنایی دانش آموزان دبیرستان در یادگیری و همچنین تقویت جنبه های ملی است که به این علل فرهنگ و هویت در کتب درسی به تصویر کشیده شده است. علاوه بر این، پژوهش آن پیامدهای آتی در پاسخ به بازنمایی فرهنگ محلی در کتاب های درسی دبیرستان در اندونزی را مورد بحث قرار می دهد، که از جمله نیاز به تقویت نقش معلمان و همچنین اهمیت گنجاندن بازنمایی فرهنگی متنوع تر در کتاب های درسی است.

خاکی و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی که به تبیین الگوی تجاری سازی تولید دانش در مراکز آموزش عالی با تاکید بر عامل فرهنگ پرداخته اند، خروجی الگوی آنها مبتنی بر ۲۶ مولفه و ۵ بعد (فرآیند تجاری سازی دانش، منافع، محیط و سازمان) است که به نقش ارزش های فرهنگی در تولید محتوای درس دانشگاه ها تاکید گردیده است.

^۱ Foster.

^۲ Hua, X., etl.

^۳ Xiong, T., etl.

^۴ Mahmud, Y. S.

ذهبیون و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود با عنوان تحلیل محتوای کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی متوسطه دوره دوم به لحاظ توجه به مفاهیم فرهنگی به این نتیجه دست یافتند که بین میزان توجه به مولفه‌های فرهنگی در کتاب‌های مذکور تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که این میزان توجه در کتب مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسی یک بیش از حد انتظار و در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی کمتر از حد انتظار بود. همچنین، بین پایه‌های تحصیلی از نظر میزان توجه به مولفه‌های فرهنگی تفاوت معنادار وجود داشت.

کشکر و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان تناسب حوزه نشر کتاب‌های فرهنگ ورزشی با انتظارات مخاطبان با تأکید بر عناصر آمیخته بازاریابی ورزشی به این نتیجه رسیدند که ارزیابی مطلوب کیفیت کتاب‌های ورزشی در بین ناشران بیش از مشتریان و کتابفروشی‌ها بود در حالی که از نظر مشتریان، کتاب‌های ورزشی ویژگی‌های مطلوبی نداشتند. همچنین، کتابفروشی‌ها نیز بیش از مشتریان به مطلوبیت کیفیت کتاب‌های ورزشی اذعان داشتند اما مشتریان از کیفیت کتاب‌های ورزشی رضایت نداشتند. در مورد طرح کتاب‌های ورزشی نیز ناشران بیش از کتابفروشی‌ها و مشتریان اعتقاد داشتند که طرح و ویژگی کتاب‌های ورزشی مطلوب است.

۳. شکاف تحقیق و تعریف مساله

در عصر حاضر، نظام آموزش و پرورش بنیادی‌ترین بخش هر جامعه برای تربیت و اعتلای آن جامعه است و در این بین حفظ، احیا و ایجاد رویه تداوات فرهنگی و اشاعه آن در جامعه، جزو اساسی‌ترین رکن تعلیم و تربیت و اعتلای فرهنگ آن جامعه است. در واقع فرهنگ جزو بخش جدایی ناپذیر آموزش و پرورش است که لزوم برنامه ریزی دقیق برای تولید متون درسی مبتنی بر فرهنگ تولید را می‌طلب. در کشور ما این امر آنچنان باید و شاید رشد نداشته و همزمان با عصر جهانی شدن و رشد فن آوری و تکنولوژی عملکرد بهینه را در نظام آموزش و پرورش و بخش‌های عمومی و غیرانتفاعی نداشته است. با تمام این تفاسیر، پر واضح است خلاء مدل تولید منابع درسی با رویکرد فرهنگ تولید علم احساس می‌شود، هدف این پژوهش تدوین مدل تولید منابع درسی با رویکرد فرهنگ تولید علم در دانشگاه‌های غیر انتفاعی کشور است.

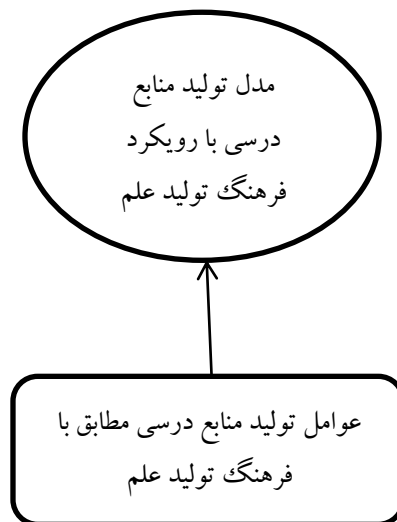
۴. روش‌شناسی

روش استفاده شده در این تحقیق روش کمی و با استفاده از تحلیل اکتشافی است که منتهی به استخراج گویه‌ها می‌شود. جامعه آماری پژوهش اساتید دانشگاه‌های غیرانتفاعی سطح است، روش نمونه‌گیری با روش تصادفی به تعداد ۳۹ نفر است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته اساتید است، روایی پرسشنامه به روش تحلیل عاملی تایید گردید. نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهد که با توجه به طبیعت تاییدی پژوهش، عواملی که همبستگی درونی بالاتر از ۰/۳ داشتند، به عنوان عوامل مناسب برای متغیر عوامل موثر بر تولید منابع درسی مطابق با فرهنگ تولید علم در دانشگاه‌های غیرانتفاعی کشور مورد بررسی انتخاب می‌شوند که تمامی شاخص‌های مربوط به عوامل موثر بر تولید منابع درسی مطابق با فرهنگ تولید علم در دانشگاه‌های غیر انتفاعی کشور، از مقادیر t و بارعاملی مورد قبولی برخوردارند و برای سنجش این متغیر شاخص‌های مناسبی محسوب می‌شوند. همچنین مطابق با شیوه آلفای کرونباخ، ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ محاسبه شد که نشان‌دهنده تایید پایایی پرسشنامه است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است.

۵. چارچوب پژوهش

با توجه به ابهامات ذاتی در مباحث و در هم آمیختگی مفاهیم و وسعت نظریه‌ها که خود ناشی از کلان نگری همیشگی آنها است، برای تسهیل در استخراج نظریه‌ها، شایسته است، تحلیلگر نظریه‌ها را به مدل تبدیل یا تقلیل دهد. منظور از مدل آفرینی تبدیل مجموعه مفاهیم مندرج در نظریه به تعداد مشخصی متغیر و ایجاد ربط منطقی از حیث تقدم و تأخر میان آنها است (حاجیان و قصاب، ۱۳۹۲).

در این پژوهش مدل مفهومی بصورت ذیل است:



شکل (۱) مدل مفهومی تحقیق

۶. یافته‌های پژوهش

برای تدوین تولید منابع درسی با رویکرد فرهنگ تولید علم در دانشگاه‌های غیرانتفاعی به سنجش مولفه‌های موثر از طریق پرسشنامه اساتید و از روش تحلیل عاملی اکتشافی بهره برده شده است. قبل از انجام تحلیل عاملی اکتشافی بایستی آزمون نرمال بودن و آزمون بارتلت اجرا گردد.

۶.۱. آزمون نرمال بودن

براساس آزمون روایی همگرا در نرم‌افزار SPSS برای امتیازات مجموعه گویه‌های متغیر تولید منابع درسی، که خود از نوع کمی هستند، محاسبه گردیده است، طبق (جدول ۱) برای متغیر مدل تولید منابع درسی با رویکرد فرهنگ تولید علم برابر با ۰/۹۵۵ و در سطح معناداری ۰/۰۸۵ محاسبه شد. که حاکی از نرمال بوده داده‌های پژوهش می‌باشد.

جدول (۱) آزمون نرمال بودن

روایی همگرا		
تولید منابع درسی با رویکرد فرهنگ تولید علم	آماره	سطح معناداری
	۰/۹۵۵	۰/۰۸۵

۶.۲. تحلیل عاملی اکتشافی برای پرسشنامه

در انجام تحلیل عاملی، در وهله باید از این مسئله اطمینان پیدا نماییم که می‌توان داده‌های موجود را برای تحلیل به کاربرد. به عبارت دیگر، آیا تعداد داده‌های مورد بررسی (از نظر اندازه نمونه و رابطه بین متغیرها) برای تحلیل عاملی مناسب می‌باشد یا نه؟ در همین راستا از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده می‌شود.

شاخص KMO: شاخصی از کفایت نمونه‌گیری بوده که کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها را بررسی می‌نماید و از این طریق مشخص می‌نماید که آیا واریانس متغیرهای تحقیق، تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی می‌باشد یا نه. این شاخص در دامنه ۰ تا ۱ قرار

داشته و اگر مقدار شاخص نزدیک به عدد ۱ باشد، داده‌های موردنظر (از نظر اندازه نمونه) برای تحلیل عاملی مناسب بوده و در صورتیکه که کمتر از ۰/۶ باشد نتایج تحلیل عاملی برای داده‌های موردنظر چندان مناسب نمی‌باشد (مؤمنی و قیومی، ۱۳۹۱). در این پژوهش طبق (جدول ۲) مقدار $kmo=0/71$ به دست آمده است، لذا اندازه نمونه برای تحلیل عاملی مناسب هستند.

جدول (۲) آزمون بارتلت و KMO

آزمون بارتلت و شاخص KMO		
۷۱.	شاخص KMO	
۱۹۰۴.۴۶۹۱	تقریبی از آماره کای دو	آزمون بارتلت
۷۶۸	درجه آزادی	
.۰۰۰	سطح معناداری	

آزمون بارتلت: طبق این آزمون اگر سطح معنی‌داری (sig) آزمون بارتلت کوچک‌تر از ۰/۵ باشد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار (مدل عاملی) مناسب است، زیرا فرض واحد بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود (مؤمنی و قیومی، ۱۳۹۱)، در این پژوهش طبق (جدول ۲) مقدار $sig=0/000$ می‌باشد لذا تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مناسب است.

جدول (۳) مقادیر اشتراک استخراجی

گویه	اشتراک استخراجی	گویه	اشتراک استخراجی	گویه	اشتراک استخراجی
X۱	.۹۲۱	X۲	.۷۰۱	X۳	.۷۸۹
X۴	.۹۰۱	X۵	.۸۴۱	X۶	.۸۶۵
X۷	.۹۲۲	X۸	.۸۷۸	X۹	.۹۸۷
X۱۰	.۸۹۷	X۱۱	.۸۰۳	X۱۲	.۸۷۵
X۱۳	.۹۵۸	X۱۴	.۸۰۷	X۱۵	.۶۹۹
X۱۶	.۸۱۴	X۱۷	.۸۹۹	X۱۸	.۸۸۸
X۱۹	.۸۷۴	X۲۰	.۸۸۷	X۲۱	.۷۰۰
X۲۲	.۹۰۰	X۲۳	.۹۰۹	X۲۴	.۹۹۴
X۲۵	.۶۶۶	X۲۶	.۷۲۳	X۲۷	.۷۷۷
X۲۸	.۹۲۲	X۲۹	.۷۸۵	X۳۰	.۷۱۲
X۳۱	.۷۸۱	X۳۲	.۸۲۵	X۳۳	.۸۰۰
X۳۴	.۶۹۱	X۳۵	.۷۰۶	X۳۶	.۸۸۰
X۳۷	.۹۲۶	X۳۸	.۸۰۱	X۳۹	.۷۸۹

۶۷۰	X۴۲	۸۶۸	X۴۱	۶۶۸	X۴۰
۸۷۲	X۴۵	۹۲۰	X۴۴	۸۷۷	X۴۳

(جدول ۳) اشتراک اولیه (Initial) را نمایش می‌دهد. هرچه مقادیر اشتراک استخراجی بزرگ‌تر باشد، عامل‌های استخراج شده، متغیرها را بهتر نشان داده و اگر هر یک از مقادیر اشتراک استخراجی کوچک‌تر بوده، بایستی حذف گردد. بطوریکه مقادیر اشتراک استخراجی کوچکتر از ۰/۵ باشد بایستی از تحلیل حذف شود (مؤمنی و قیومی، ۱۳۹۱) با استناد به (جدول ۳) هیچ گویه‌ای حذف نمی‌شود و تمامی گویه‌ها در تحلیل عاملی باقی می‌ماند.

جدول (۴) ماتریس چرخیده شده مدل تولید منابع درسی با رویکرد فرهنگ تولید علم

ماتریس چرخیده شده	Component								
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
اجزا									
X ^{۳۰}	۸۲۱								
X ^۲	۸۰۱								
X ^{۱۶}	۸۱۰								
X ^{۴۱}	۷۲۳								
X ^{۱۲}	۸۶۰								
X ^{۲۱}	۷۳۲								
X ^{۳۷}	۶۷۴								
X ^{۳۸}	۸۳۱								
X ^۷	۶۱۲								
X ^{۳۲}		۸۶۱							
X ^{۲۵}		۷۵۹							
X ^{۱۸}		۷۹۰							
X ^{۴۳}		۸۱۱							
X ^{۴۴}		۸۸۷							
X ^{۳۹}			۸۷۴						
X ^۱			۷۵۸						
X ^۴			۸۴۴						
X ^{۲۳}			۸۳۵						
X ^۸				۷۴۲					
X ^{۱۳}				۷۹۵					
X ^{۳۳}				۸۹۸					
X ^{۳۶}				۸۷۸					
X ^۶				۷۰۲					
X ^۵					۸۵۴				

X۱۷	۸۸۹	
X۱۹	۸۰۵	
X۱۴	۷۳۳	
X۲۹	۸۴۱	
X۳۴	۸۰۵	
X۳۱	۸۷۳	
X۳	۸۷۷	
X۱۰	۸۳۴	
X۹	۷۴۳	
X۲۴	۷۸۲	
X۱۱	۸۱۱	
X۱۵	۸۷۴	
X۲۶	۸۰۳	
X۴۵	۸۷۱	
X۳۵	۷۱۸	
X۲۷	۷۲۶	
X۴۰	۷۴۱	
X۲۲	۷۷۹	
X۴۲	۷۵۵	
X۲۰		۸۰۸
X۲۸		۷۲۰

(جدول ۴) ماتریس چرخیده شده گویه‌ها را نشان می‌دهد که شامل بارهای عاملی تمامی متغیرها در عامل‌های باقی‌مانده، پس از چرخش است. هر اندازه مقدار بیشتری داشته باشند، عامل مربوطه تاثیر بیشتری در کل تغییرات (واریانس) متغیر مورد نظر را دارد. با استناد به نتایج حاصله، مقدار ویژه عوامل استخراجی با چرخش برای متغیرهای مربوط به مدل تولید منابع درسی با رویکرد فرهنگ تولید علم در ۹ عامل دسته‌بندی شده‌اند. این ۹ عامل می‌توانند تقریباً ۸۵ درصد از تغییرپذیری (واریانس) متغیرها را توضیح دهند. با توجه به انجام تحلیل عاملی روی ۴۵ متغیر، ۹ عامل به‌عنوان عامل‌های اصلی شناسایی شدند که این ۹ عامل با توجه به بررسی ادبیات موضوع به‌صورت جدول زیر نام‌گذاری شدند.

جدول (۵) مقادیر اشتراک استخراجی پس از چرخش

گویه	اشتراک استخراجی
عوامل مدیریتی	۸۳.۶۵
افزایش منابع علمی در دسترس اساتید	۸۲.۵۴
استفاده از تکنولوژی‌های نوین	۷۹.۵۸
بومی‌سازی دانش	۸۸.۶۵
ارزیابی مستمر کتب	۸۳.۴۱
توسعه امکانات	۷۷.۵۳
توانمندسازی فردی و سازمانی	۷۹.۶۶
اشاعه فرهنگ کار تیمی	۸۵.۳۶
اتخاذ رویکرد کیفی به جای رویکرد کمی	۸۵.۴۹

جدول (۶) عوامل استخراجی و گویه‌های آن

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
عوامل مدیریتی	حضور فعال حضوری در نظام تولید محتوای درسی
	حضور فعال آنلاین در نظام تصمیم‌گیری تولید محتوای درسی
	اجرای طرح‌های تولید محتوای درسی
	نظارت بر اجرای طرح‌های تولید محتوای درسی
افزایش منابع علمی در دسترس اساتید	توسعه پورتال‌های دسترسی به علم
	دسترس‌پذیری منابع علمی
	ایجاد امکانات مشارکت اساتید
	تجهیز کتابخانه‌های الکترونیکی و دانشگاهی
استفاده از تکنولوژی-های نوین	توجه به تمامی گروه‌های علمی آموزشی
	شفافیت عملکردی تولید محتوای درسی
	ایجاد زیرساخت‌های مشارکت آنلاین در تولید محتوای درسی
	بروزرسانی سایت‌های علمی و مراجع تخصصی
بومی‌سازی دانش	توسعه سخت‌افزاری
	توسعه نرم‌افزاری
	امکان‌سازی مشارکت گروه‌های مختلف قومی، زبانی، نژادی و منطقه‌ای در تولید محتوا
	ایجاد سیستم‌های دسترسی همگانی به محتوای درسی
ارزیابی مستمر کتب	عدالت گروه‌های آموزشی
	تهیه مصوبات و تصویب آن برای بومی‌سازی تولید محتوا
	توجه به فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات بومی و ملی
	تشکیل کارگروه‌های تخصصی
توسعه امکانات	ایجاد سیستم برخط نظرسنجی از دانشجویان و اساتید
	قوانین نظرسنجی
	رویکردهای ارزشیابی مبتنی بر بوم محوری
	ارزشیابی مبتنی بر چارچوب‌های مصوب
	ایجاد امکانات برخط
	ایجاد و توسعه امکانات دسترسی به علوم

ایجاد زیرساخت های برگزاری نشست های تخصصی	
ایجاد زیرساخت سیستم پاسخدهندگی	
توسعه امکانات و بسترهای لازم در دانشگاه ها	
آموزش اصول تولید محتوا مبتنی بر فرهنگ تولید به دست اندرکاران	
آموزش شیوه تدوین دروس	
آشنایی دانشجویان با فرآیند تولید محتوا در چارچوب فرهنگ تولید علم	توانمندسازی فردی و سازمانی
تدوین چارچوب مشارکت سازمانی و دانشگاهی برای تولید محتوا مبتنی بر فرهنگ تولید علم	
ایجاد زیرساخت ها مشارکت در تولید محتوا در دانشگاه ها	
ایجاد فضای صمیمی در تیم	
شفافیت و احساس تعهد	
مدیریت صحیح منابع انسانی	اشاعه فرهنگ کار تیمی
ایده پردازی و تدوین آن	
پشتیبانی و حمایت	
مصاحبه ها و تحلیل محتوای آن	
محتوا با در نظر گرفتن مولفه های کیفی	
نظر گیری باز بدون در نظر گرفتن تعصبات و موانع بی مورد	اتخاذ رویکرد کیفی به جای رویکرد کمی
ارزشیابی کیفی تاثیر تولید محتوا بر آموزش	
همکاری و مشارکت داوطلبانه در تدوین محتوا	

با توجه به یافته های (جدول ۶) بنابراین می توان الگوی مدل تولید منابع درسی با رویکرد فرهنگ تولید علم را بصورت (نمودار ۱) نشان داد:



نمودار (۱) مدل تولید منابع درسی با رویکرد فرهنگ تولید علم

نتیجه گیری

کتاب دانشگاهی یکی از مهم ترین ارکان آموزش در دانشگاه ها را تشکیل می دهند و از سوی دیگر، یکی از معیارهای تولید علمی کشورها نیز محسوب می شود. این در حالی است که امروزه با توجه به کاهش تعداد دانشجویان کشور و افزایش صندلی های خالی در دانشگاه ها، رویکرد دانشگاه ها و بالاخص دانشگاه های پولی مانند غیرانتفاعی نیز باید از رشد کمی به سمت رشد کیفی حرکت کند. نظام آموزشی فعلی کشور نیز، یک نظام متمرکز و برنامه درسی در آن منحصر به کتب درسی است که در کل کشور استفاده می شود. این در حالی است که با توجه به وسعت کشور، تنوع و تعدد اقوام و مشکلات ناشی از آن (مانند دو زبانه بودن شاگردان)، رشد سریع علوم و فناوری، تغییر سریع در هنجارها و ارزش های اجتماعی و ... ضرورت دارد که کتاب های درسی با دقت کافی و در حد امکان عاری از هر عیب و نقص و مطابق با اهداف تعیین شده و اصول علمی تالیف شوند. همچنین، به دلیل ساختار آموزشی و برنامه درسی حاکم بر آموزش و پرورش کشور، کتاب های درسی به عنوان رسانه ای پرکاربرد در ساختار آموزشی کشور مطرح می باشند. کتاب های درسی، رسانه ای هستند که همه روزه مدرسان و علم آموزان از آن استفاده می کنند، لذا گاهی اوقات به عنوان تمام برنامه درسی، مدرس بر آن تاکید می کند. انتشار کتاب های درسی چه با محور آموزش دانشگاهی و چه از منظر اطلاع رسانی و انتقال دانش به عموم جامعه، از ضروریات زندگی هر اجتماعی است. لذا با توجه به اهمیت و نقش کتاب درسی در نظام آموزشی، ضروری است که این رسانه مهم آموزشی مورد توجه متخصصان و محققان قرار گیرد. همچنین، از آنجایی که در بهره گیری از متون درسی و تحقق اهداف آموزشی، عوامل گوناگونی همچون

ویژگی‌ها و خصوصیات فراگیران، الزامات اجتماعی، شرایط و امکانات آموزشی و کمک آموزشی و ... تاثیر دارند و نیز نقش و جایگاه ویژه کتاب‌های درسی در فرآیند آموزش؛ ضروری است که در تدوین کتب درسی هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی ملاحظات ویژه‌ای صورت پذیرد. این موضوع به ویژه در سطح دانشگاه از اهمیت دو چندانی برخوردار می‌شود چرا که امر آموزش در دانشگاه‌ها بایستی در سطوح علمی بالایی صورت پذیرد. با این اوصاف تحقیق حاضر به دنبال شناسایی عوامل موثر بر تولید منابع درسی مطابق با فرهنگ تولید علم در دانشگاه‌های غیرانتفاعی کشور و تدوین مدل انجام گرفت که در آن عوامل یازده‌گانه شامل توانمندسازی فردی، توانمندسازی سازمانی، اشاعه فرهنگ کار تیمی، توسعه امکانات، ارزیابی مستمر کتب، بومی‌سازی دانش، اتخاذ رویکرد کیفی به جای رویکرد کمی، استفاده از تکنولوژی‌های نوین، افزایش منابع علمی در دسترس اساتید و عوامل مدیریتی به عنوان عوامل موثر بر تولید منابع درسی مطابق با فرهنگ تولید علم در دانشگاه‌های غیرانتفاعی کشور شناسایی شدند و پس از بررسی ارتباط و تفاوت‌های بین آن‌ها، مدل ارتباط آن‌ها نیز تدوین شد با توجه به برازش مناسب مدل تدوین شده به نظر می‌رسد که مدل عوامل موثر بر تولید منابع درسی مطابق با فرهنگ تولید علم در دانشگاه‌های غیرانتفاعی کشور که در این تحقیق به دست آمده است می‌تواند به عنوان مدلی قابل قبول و علمی در راستای ارتقای هر چه بیشتر کیفیت کتاب‌های دانشگاهی مورد استفاده محققان و متولیان امر نشر کتب دانشگاهی قرار گیرد. در این مدل عامل مدیریتی و عامل ارزیابی مستمر کتب از عوامل موثر در تدوین مدل تحقیق است که با یافته‌های ماثولنا و همکاران^۱ (۲۰۲۲)، همخوانی دارد، همچنین عوامل افزایش منابع علمی در دسترس اساتید و توسعه امکانات نیز در تدوین مدل نقش دارند که با یافته‌های کانال^۲ (۲۰۲۱)، همسوئی دارد. یکی دیگر از عوامل موثر در الگوی تولید محتوای درسی مبتنی بر فرهنگ تولید علم، مولفه استفاده از تکنولوژی‌های نوین است که با یافته‌های وین^۳ (۲۰۲۱)، همخوانی دارد. از عوامل مهم دیگر در تدوین مدل تحقیق، مولفه بومی‌سازی دانش و اتخاذ رویکرد کیفی به جای رویکرد کمی است که با یافته‌های ماثولنا و همکاران (۲۰۲۲) و ایویچ^۴ (۲۰۱۹)، همسوئی دارد. همچنین مولفه‌های توانمندسازی (فردی و سازمان) و همچنین اشاعه فرهنگ کار تیمی از جمله عوامل موثر در تدوین مدل تدوین منابع درسی مبتنی بر فرهنگ تولید علم است که با یافته‌های وستوتی و همکاران (۲۰۲۱)، همسوئی دارد.

پیشنهادهای کاربردی

براساس نتایج تجزیه و تحلیل صورت پذیرفته

-تشکیل کارگروه‌ها و کارگاه‌های آموزش برای تولیدکنندگان محتوای درسی در دانشگاه‌های غیرانتفاعی، سمینارها و نشست‌های تخصصی با تولیدکنندگان محتوای درسی، حمایت‌های مالی از تولیدکنندگان محتوا، ایجاد بسترها و امکانات روزآمد و نوین دسترسی تولیدکنندگان محتوای درسی به منابع.

-سازماندهی مناسب عوامل تولیدکننده محتوای درسی، حمایت‌های مالی و معنوی از آنان، برقرار زمینه ارتباط و تعامل اعضای تولیدکننده محتوای درسی با دانشگاه‌های دیگر، توان‌افزایی علمی تولیدکنندگان محتوای درسی، ایجاد رویه پایدار برای اعضا در راستای هم‌افزایی و ایجاد فرهنگ کار تیمی، توسعه امکانات تحقیق و پژوهش، ایجاد سازوکار و رویه ارزش دهی به رویکرد کیفی بجای کمی در تولید محتوای درسی منطبق با فرهنگ تولید علم از طریق ایجاد نظام ارزش دهی نوین و کاربردی.

-ایجاد کارگروه پایش و ارزیابی مستمر محتوای درسی آموزشی در دانشگاه‌های غیرانتفاعی در بدنه وزارت علوم و هیئت امنای دانشگاه‌های

^۱ Maulana, I., etl.

^۲ Canale, G.

^۳ Wain, K.

^۴ Ivić, I.

غیرانتفاعی، بطوریکه به بررسی محتوای درسی با فرهنگ تولید علم اقدام و نظارت نمایند و پیشنهادات لازمه را ابلاغ نمایند.

پیشنهادهای آتی

- بررسی عوامل موثر بر تولیدات و محتوای آموزشی منطبق بر فرهنگ تولید علم در دانشگاه‌های کشور.
- بررسی تطبیقی مدل‌های تولیدات علم مبتنی بر فرهنگ تولید علم در دانشگاه‌های کشور با مدل‌ها و تجارب موفق جهانی و ارائه راهکارهای عملیاتی.
- مطالعه سازوکار نظام ارزشیابی سازمانی در دانشگاه‌های کشور در راستای تولیدات محتوای آموزشی درسی مطابق با فرهنگ تولید علم.

منابع

- آهنگری، مریم. (۱۳۸۳). داشته‌های ما و دیگران؛ میزگرد تطبیقی کتاب‌های آموزشی و مقایسه سایر کشورها با ایران، نشریه جوانه، ۸(۵)، ۱۳-۲۲.
- حسن مرادی، نرگس. (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کتاب درسی. تهران: نشر آیت.
- خاکی، ایمان؛ مجیبی، تورج؛ معمارزاده طهران، غلامرضا. (۱۴۰۰). تبیین الگوی تجاری-سازی دانش در مراکز آموزش عالی با تأکید بر عامل فرهنگی (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی)، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، ۵(۴۹)، ۶۰-۳۱.
- ذهبیون، شهلا؛ یوسفی، علیرضا؛ یارمحمدیان، محمدحسین. (۱۳۹۵). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی متوسطه دوره دوم به لحاظ توجه به مفاهیم تربیت شهروندی. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۲(۱۳)، ۱۳۶-۱۴۷.
- رسولی، مهستی؛ امیرآشنایی، زهرا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوا با رویکرد کتب درسی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- صادقی، مهدی. (۱۳۹۰). کتاب‌های ورزشی علاوه بر تولید و نشر در مطالعه نیز مجهورند. خبرگزاری کتاب ایران، کد مطلب: ۱۱۲۲۹۴۰.
- کشکر، سارا؛ قاسمی، حمید؛ صادقی، رضا. (۱۳۹۲). تناسب حوزه نشر کتاب‌های ورزشی با انتظارات مخاطبان با تأکید بر عناصر آمیخته بازاریابی ورزشی، نشریه مدیریت ورزشی، ۵(۲)، ۲۷-۵.
- محمدی، سید بیوک. (۱۳۷۰). الگوهای فرهنگی، نشریه فرهنگ، ۱(۶)، ۱۵۹-۱۸۱.
- مشایخ، فریده. (۱۳۷۵). فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی. تهران: نشر مدرسه.
- معاونت پژوهش. (۱۳۸۲). در جستجوی راهکارهای تدوین متون درسی. موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، تهران: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مومنی، منصور؛ فعال قیومی، علی. (۱۳۹۱). تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS، ناشر مولف، چاپ هفتم، ویرایش چهارم.
- نصراللهی نیا، فاطمه؛ یمنی دوزی سرخابی، محمد؛ فراستخواه، مقصود؛ رضایی زاده، مرتضی. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل و چالش‌های تولید علم در میدان دانشگاهی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۴(۴)، ۳۱-۱.
- نوریان، محمد. (۱۳۸۷). بررسی چگونگی به کارگیری اصل تأکید در طراحی تصاویر کتاب‌های درسی پایه دوم و پنجم دوره ابتدایی، نشریه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۴(۳)، ۱۲۷-۱۴۴.
- یارمحمدیان، محمدحسین. (۱۳۸۶). اصول برنامه‌ریزی درسی، تهران: انتشارات یادواره کتاب.

References

Canale, G. (۲۰۲۱), *The language textbook: representation, interaction & learning: conclusions*. Language, Culture and Curriculum, ۳۴(۲), ۱۹۹-۲۰۶.

- Foster, C. R. (۲۰۰۲), *Editorial treatment of education in the American press*. Cambridge: Harvard university press, N۰, ۲۱, PP: ۱- ۳۰۳.
- Guthrie, James W. (۲۰۰۸), *Encyclopedia of Education*. New York: Macmillan Press.
- Harrison, A. G. (۲۰۰۱), *How do Teachers and textbook writes model scientific ideas for students? Science Education*. ۳۱(۳), ۴۰۱- ۴۳۵
- Hua, X., Hu, G., & Liu, F. (۲۰۲۳), The cultural representation of Chinese-speaking groups in US-produced Chinese as a foreign language textbooks. *Asia Pacific Journal of Education*, ۴۳(۱), ۱۲۶-۱۴۳.
- Ivić, I. (۲۰۱۹), Printed and digital media: Printed and digital textbooks. *Center for Educational Policy Studies Journal*, ۹(۳), ۲۵-۴۹.
- Keklik, I. (۲۰۱۱), A content analysis of developmental psychology sections of educational psychology textbooks used for teachers education in Turkey. *Procedia Social and Behavioral Sciences*. ۱۲, ۳۹۳-۳۹۸. doi:۱۰.۱۰۱۶/j.sbspro.۲۰۱۱.۰۲.۰۴۸.
- Khutorskoi, A.V. (۲۰۰۶), The place of the textbook in the didactic system. *Russian Education and Society*, ۴۸(۳), ۷۸-۹۳.
- Mahmud, Y. S. (۲۰۱۹), The representation of local culture in Indonesian EFL textbooks: Rationales and implications. *Indonesian EFL Journal*, ۵(۲), ۶۱-۷۲.
- Maulana, I., Abbas, E. W., Jumriani, J., Ilhami, M. R., & Arisanty, D. (۲۰۲۲), Integration of Local Content Into Class IX Textbook of Centers of Economic Advantage. *The Innovation of Social Studies Journal*, ۳(۲), ۱۰۰-۱۰۸.
- Owen, J. L. Dudley, J. E. (۲۰۰۷), A content analysis of the treatment of informative and reinforcing feedback in contemporary communication theory text book. *American communication journal*. ۹(۴.)
- Wain, K. (۲۰۲۲). Different perspectives on evaluating textbooks. *In History and Social Studies–Methodologies of Textbook Analysis* (pp. ۳۵-۴۱). Routledge.
- Wastuti, I. B., Febrianto, P. T., & Hanik, U. (۲۰۲۱), Development of Advisor Textbook Based on Rokotase'Local Wisdom for Class IV Elementary School. *Widyagogik: Journal Pendidikan dan Pembelajaran Sekolah Dasar*, ۹(۱), ۹۲-۱۰۳.

Xiong, T., Feng, D., & Hu, G. (۲۰۲۲), Researching cultural knowledge and values in English language teaching textbooks: Representation, multimodality, and stakeholders. In Cultural Knowledge and Values in English Language Teaching Materials: (Multimodal) Representations and Stakeholders (pp. ۱-۱۸). Singapore: Springer Nature Singapore.

Zokaei, M, S. (۲۰۰۵). Citizenship teaching. Periodical of youth studies. *Faslnameye Motale Javanan*, ۱۹:۵۱-۵۸.